

زبان عربی ۲

** عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ

۱- «أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خَلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ»:

- ۱) از چیزی که به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از آمدن روزی که در آن فروش و دوستی و شفاعت نخواهد بود!
- ۲) از آن چه که به شما روزی داده شده انفاق کردید قبل از آن که روزی بیاید که در آن فروش و دوستی و شفاعت نیست!
- ۳) از آن چه روزی تان دادیم انفاق کنید قبل آن که روزی بیاید که در آن نه فروشی و نه دوستی و نه شفاعتی است!
- ۴) از چیزی که روزی شماست انفاق کنید پیش از آمدن روزی که در آن هیچ فروش و دوستی و شفاعتی نیست!

۲- «رَبِّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لِكَ الْمَشَاكِلِ، فَكَّرْ ثُمَّ تَكَلَّمْ تَسْلِمًا مِنَ الزَّلْزَلِ!»:

- ۱) چه بسا سخنی برایت مشکلات را بیاورد، اندیشه کن سپس سخن بگو تا از لغزش در امان بمانی!
- ۲) گویی سخن برای تو مشکلات را می آورد، فکر کن سپس حرف بزن تا از لغزشها در امان باشی!
- ۳) چه بسا کلامی مشکلاتی را برایت ایجاد کرده، فکر کن سپس سخن بگو تا از لغزش در امان باشی!
- ۴) چه بسا سخنی مشکلات را برایت بیاورد، پس فکر کردی و سخن گفتی تا از لغزش ایمن باشی!

۳- «خَيْرُ إِنْخَانِكِ مِنْ دَعَاكَ إِلَى صَدَقِ الْمَقَالِ بِصَدَقِ مَقَالِهِ!»:

- ۱) خوبی برادران تو این است که با راستگویی خود تو را به راستگویی دعوت کردند!
- ۲) برترین برادران آن است که با راستی تو را به راستگویی فرا خوانده بود!
- ۳) بهترین برادرهای تو آن است که با راستگویی خود تو را به راستگویی فرا خواهد خواند!
- ۴) بهترین برادران کسی است که با راستگویی اش تو را به راستگویی فرا خواند!

۴- «أُرِيدُ تِلْكَ الْأَدْوِيَةَ الَّتِي كَتَبَهَا الطَّبِيبُ فِي وَصْفَةِ أُمِّي!»:

- ۱) آن داروهای نوشته شده پزشک در نسخه مادرم را می خواهم!
- ۲) داروهای را خواستم که آن پزشک در نسخه مادرم نوشته است!
- ۳) آن دارویی را که پزشک آن را در نسخه مادر نوشته، می خواستم!
- ۴) آن داروهای را که پزشک آن را در نسخه مادرم نوشته، می خواهم!

۵- «أَتَقَى النَّاسَ مِنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلَيْهِ!»:

- ۱) باتقواترین مردم کسی است که حق را می گوید در چیزی که به سود و زیان است!
- ۲) پرهیزکارترین مردم کسی است که حق را در آن چه به سود و زیانش است گفت!
- ۳) از مردم باتقوا است آن که حق را در سود و زیان خود گفت!
- ۴) پرهیزکارترین مردم چه کسی است، آن که حق را در سود و زیان خود می گوید!

۶- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ: پروردگارا من از دانشی که سود نمی رساند به تو پناه می آورم!
- ۲) إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ: خدا کسی را که بسیار دروغگو و از کافران باشد، هدایت نمی کند!
- ۳) لَا تُحَدِّثُ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ: با مردم درباره همه آن چه که شنیدی صحبت نکن!
- ۴) يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ: می خواهند که سخن خدا را عوض کنند!

۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا: صبر کردند تا خدا میان ما حکم کند!
- ۲) إِنْ تَهَرَّبَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تَوَاجَهُ الصَّعُوبَاتُ: هرگاه از واقعیت فرار کنی با سختی روبه رو می شوی!
- ۳) لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ: از چیزی که به آن دانشی نداری پیروی نکردی!
- ۴) طُوبَى لِمَنْ لَا يَخِيفُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ: خوشا به حال آن که مردم از زبانش نمی ترسند!

۸- «امروز هم کلاسی ای را دیدم که دو سال پیش او را شناخته بودم!»:

- ۱) رأيت اليوم زميلاً قد تعرّفتُ عليه قبل سنتين!
- ۲) اليوم رأيت زميلاً أعرّفه قبل سنتين!
- ۳) أشاهد اليوم زميلاً وتعرّفتُ عليه قبل سنوات!
- ۴) اليوم رأيت زميلاً قد أعرّفه قبل عوام!

٢٠- عَيِّن ما فيه النفي للمستقبل:

(١) سألتني الأستاذ و أنا لم أقرأ الدرس.

(٣) لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل كل ما تعلم.

(٢) أعتقد أن الذي يكذب لن ينجح حقاً.

(٤) لا تقف ما ليس لك به علم.

عَدْوِي